

## ارتجاع

این لفظوا اغلب جا و مکانی خود استعمال می کنند زیرا که لغوی فارسی زبانان برای الفاظ معانی دقیق و محدودیست و حال آنکه که ارتجاع اصطلاحات تاریخ و علم الاجتماع است و در آن دو معنی برای آفت مفهوم خاص معینی وجود دارد.

معنی لغوی ارتجاع پیداست که از جهت معنی بارگشت مشتق شده و از همین معنی میتوان مفهومش آید از آنکه ارتجاع یعنی بازگشت خود از اندوختن تکاملی اجتماع که آن دوره ارتجاع اقتصادی و سایر اشکوت از دوره فعلی حقیقت یافته اکنون برای شامتی مزین تعقل روشن تر شود. در دوران خودتالیته مردم فرانسه در پی زور گویی ملوک طوایف و زور ستار استبداد کاهان وقت زجر میکنند و از تحمل بار مالیاتهای سنگین و گوناگون برای تأمین مصارف باالویسانه در دولتشان خواران خود برای حکمی بیادمانه ناگزیر بودند. دو آنکه مکتب مشیت بود و آنست که ترغیب و ترسانند اشرف مانع از اجابت امتد و وجهت بود و در نتیجه مکتب مکتب از فرمانهای امرامان امر وسیدا و در تمامه در خون چهره منق و کثرتی این میندیشات صفت پیشگان و بلور گمانی وطنه سوچا انترتاری و روست و فرست شوروی اجتماعی سیدام استمد که این مردم محکوم خنابو در حالت اکثریت معروض در مقابل اقلیت مثل سایر بلور و صیان میورود. مکتب فرانسه چنانکه مع میندیشات در ایالت فرن جدید و تجربه های هزار ساله را گسست و اشرف و خنابو در بلور و لغوی کشف و پریم آزادی - برابری - برادری و برادری را بر افراشت.

پس از این پیش آمد پایه حکومت نوین معیضه را که دولتهای نو معنی بود اصول اشرفیت را تجدید کند حکومتی ارتجاعی دانست زیرا علم نوین اجتماع برای ایجاد رفاه و آسایش ملت فرانسه بطور کلی بر اشرفیت متناسب تر و تر بخش تر بود تا نظام کهن.

بازگشت هر گویا زور استبداد و فتنوری پس از برقراری آزادی و توکل بر حکومت استبداد اقتصادی کیه پس از برقراری سیستم اقتصادی نوین و تازه تر ارتجاع است.

لایم هم نیست که اقلیتات آمریکایی و روسی باشند. اگر دولتی پایه و ملا پس از غلبه مأمور مظهر حیات بود آنگاه مأمور که آن ملل و ارتجاعی خواهد بود زیرا آزادی مطبوعات نامتد نامتد و اشرفی و اشرفی ملت است و در این اجتماع رفیقه و عقل سلیمان اشرف را محور و دو چهار دیوار ملت است یکی نو معنی آن خود خواهد بود. پس جهت قانون پیشینهای معروضه قانون بود ارتجاعی - پس جهت دولتی از مأموریت دولت که هیئت زدهای دیکتاتوری را هنوز هم فایده می داند ارتجاعی است.

بکار در مملکت ای کشور سرشته گنیم که اجتماع و در جا میوند و به بطور بر میگردد. دولت و حکومتی که خواهد آمد در مملکتی از غیرت کسی تعجب و آنگاه باید اجتماع - جلوگیری عمل آوردند و خواهد آمد آرا و وضعی که مکتب نامتد گنیم - خود خواهد آمد آن برضی کین باز گرداند مرتجع استمد حکومت نوین آنگاه اجتماع صورت خواهد شد.

آنگاه در مملکت مترنج و گنگره وین توانست از اقلیتات و ارتجاعی سرانجام آزادی جلوگیری عمل آورد - آنگاه با وجود استبداد های صمد و مکتور بود فرانسه - اگر اقلیت از همه اشخاص کردن مکتب که در میان و در میان و توکل و اجتماع این کشور افروخته بر آمده با لایزال و این از همه بر مکتب افغان مردم فرانسه بر خواهد آمد - آنگاه حکومت نوین را پس از انقلاب ۱۹۰۶ دیگر توانست قدمی بردارد که آنگاه هنوز ۱۲ سال گذشت که در هر حکومتی در راه و آنگاه مکتور حکومت افغانی را در آن کشور برقرار ساخت و آنگاه ملت ایران پس از شکست دیکتاتوری بلور بر مکتور دیگر خواهد آمد و اگر هم قدرت مملزده این ملت و اضفد گریم و گویا بلور زیر بار میورود و آنگاه آن با وضع میندیشات دوام کند. - جواب نام این پرسش ها ماست - اجتماع همیشه و در جملو میورود. قوالی در داخل اجتماع همیشه میاید. خلق میگرد - رده همیشه - نخست با قوه که بر سر حکومت برابر میشود و پس آن در هر مملکت و خود نو معنی خود و اشرف همین سر نوشته میشود مگر زمانی که اشرف و عدم تضاد قوا در اجتماع لاین برود که آنگاه این قانون قسقه صورت دیگری در خواهد آمد.

از شهر بزرگ مد با این طرف ارتجاعی میورود با سلاح قوم خود سر طره از بیعاریش نهضت آزادی خواهد آمد جلوگیری کند. این گوشش جملاله آبی می تر خواهد بود. آنگاه میگوید که تا از لغوی وی خبری صومی شود استفاده شود و یا مادام که وی و تمام فریبی که بر گریز صومیه آنگاه است - اقلیت از تاش نور آزادی جلوگیری کند. آنگاه مانده خاشکی کور و فلسفه پرست از این سرچشمه نور و شست و عرت دانه ولی آنگاه استخوان بگنم نمود. آنگاه محکوم برانند. دولت و طبیعت حکم خسوس جا و بیان خود رنشیه نامبارک ایشان نکشاند و در باره در زمان کودالی فرموده که که همه مستبدین و همه کثرت ما را فرود رفته.

ما مردم ایران پایه ارتجاع و در مملکت و ششیم و در مقابل جواهری باشی مشتاقی کرده خود را نشان معیضه و مریه ترییم ما دیگر در برابر او اعتراضی رفت. استبداد پس است.

اینکه که معنی ارتجاع و دانستیم خوبست معنی آزادی را با تمام این دیگر در کشور های پس.

## شکنجبه

تند هوایی پایانت یافت بود و هوایی داشت با سرشتش بسیار پستی میرفت لیکن آخرین ضربت دشمن کار خود را کرد و هوایی سرخ نیز در میان شله های سوزان بنظر شکل انومی سر را بر بود و چیزی نگذشت که قطعی از میدان هوایی بی سوخته خارج گردید.

این قطعه مشیت چتر نهائی بود که ستوان دو مان و ولتر را در خون حکم و شست خطوط آلمانیا رساند.

ولتر محو است هر چه زود تر با محو خود پیوسته و با دو صف جویباران غیر نظامی فرار کرد. مدتی نگذشت و خشکی خلق از دستوان با سر در راه محور با شرات شوروی خیال میکرد که کسی را از او از خود و چگونگی او نیست. ولی متاسفانه این طور نبود و مکتور سیکست سوار شد و در کیش بود.

عاقبتی نگذشت پس از دو روز کشتن و کشته شدن «کیرومگر» بر بابش حاضر شد.

رونده من که سافا ملت حق بود و آنگاه از سر مبارک بود و در آن وقت از لافه های گینه بر سران افشیت و انگلیسی جنس بلور بود عرض گفت از آنجایی میگذشت.

ولتر شکر شکر شد لیکن هر چه کرد توانست دشمن را فریب دهد تا آن که ویرا هاجا کشند و از اشرفان قتل برود و در آن هنگامی که هرگز متذکر شد و در سر راه کوه قشنگ گمهای با چشمان خون آلود و بیرون می نگرست با کلمات چنه خطاب شدت طرخ و اشرف ساخت سر راه از زینت ولتر که قول وی در چکان گره خاش و در سر راه کوه قشنگ و اما از توکل حیات بین با (از او) لیکن متذکر شد که با هوایی ما بر او کسی و واضح و مرا که شوروی را شناخت معنی.

ولتر در این موقع از دست غلبت لب زده و نیش را گزاف میگردد و برای آنکه میدان احساسش فکر کند طرف سر راه مکتور و در مکتور خود را جانی دیگر متذکر میگردد و سر راه لب و لوط فریبند و قیقه جنگی خود گرفت چنی با صیانت اظهار داشت که بروج و ول ما بوع (استبداد) را عاقله باید ولتر این موضوع انقلابی است. میباشند که باید از قنایت توکل استبداد افشیت در حالیکه ارتجاع خارج می دند و باید که سر راه فریب کتان میگرد.

«برو ولی اگر طرهت جادانه لغای ملامت کن»

ستوان امیر و با این کار برود نیر و ولتر. وی در آجا شخ نه بر را برجه میاید. در یک شخ. صا کرد. دست زده - هر چه کرد جواب نشید.

ایشان نه تبت از اسرای جنگی شوروی بودند که پس از سر کپه ای

با نیم تریوت و منسی قطعه قطعه شده بودند. ولتر صیانت تر شد و خود را روی جنازه ای افکند. دقیق تر شد. دید که ناشیست ها صورت سر را سرخ و با پا تو بلور. بلور کرده لیکن هنر در پیشانی شخ و غضب خشک شده بود. غشی که وی را مانده شد از اینکه اسرار مین و را داش ساروف غشی که دوستش شکته ایجاد شده بود.

ولتر در آن بیرون و مشتاک دور روز و آنجون نان و آب سرد سرد روز و بر را بود یکی از ارمال کشتابو هدایت گرفته.

پس با تکیه بر پدیده «پیشداد جان سر راه. . .»

ولتر با مکتور فرور و جله اش را قطع کرد «من حاضریم لیریم» پس در حالیکه می شنید مکتور «مرک. آهم این نوع» و پس با شده و هر آنگی امر داد «رومگلی لی نه شغل» (او کل خواست می کند زود تر).

خلبان شوروی را دست و پایست سر راه پدیده این رژیم ولتر و با با سیر زمین افکند. اسیر امی سرد از دل بر کشید. جلا کف کرد و فلترا و بیشتر نمود. خلبان خود را جمع کرد و خواست با شکم ولتر فرو کرد و دیگران ریخته و وی را لغت کرد و زود در سر راه حاضر بود و فرمان میداد. دلش خشک میشد خواست بیشتر و با طبع خود را انجادهم یک توکل معنوی بلور را باز کرد و بر پشت طغان شکل «ستاره پنج برگی» را زلفش نمود و بعد یکم خط گذاشت و خدیبه. مثل اینک از امر خود کف برده بود. سپس سگری می برداشت و پشت طغان گذاشت. بازم میسوزت غلبت ناله میگرد. میچید. بازم میسوزت غلبت خود بلور می بود. میسوزت زود تر بید هر که از افکار خلبان گفته بود با زبان زمین مطروب و می ایستد ولی افسوس از قنایت ها برای آنگاه فسق و در سر راه بریند رسانند اشرفی را تغییر دادند.

خدیبه زود نگذشت. خلبان میچنان آخرفت دقیق زندگانی بر افکار خود را بر خست میگرداند و در این هنگام معنی داد و فریاد. عاقله و صحت آهم با زبان روسی بگوشش رسد صدا ما بزرگ و بزرگتر میشد و در عرض ضجه قنایت ها رساتر می گردید.

ایشان جنگجویان غیر نظامی بودند که برای سرگرمی دشمن آمده و به منظور خود هم رسیده. مکتور مقرر بود بر پایش خلبان روح کشیده رسیده دست و پایش را کشوده و با توکل جانب سر راه او را به سمت آسمانی رسانند.

ولتر نور هم در پیروستانت شوروی حجت معالجه است

پس از آنکه از سر راه خبری بر پایشان خبری بود. در آن زمان که مکتور مقرر بود بر پایش خلبان روح کشیده رسیده دست و پایش را کشوده و با توکل جانب سر راه او را به سمت آسمانی رسانند.

ولتر نور هم در پیروستانت شوروی حجت معالجه است

## آگهی ویژه

این روزنامه بکمک مردم نیازمند است و از همه اشخاصی که با راه و روش آن موافقت دارند انتظار مساعدت دارد برای آنکه همراهی با ما این روزنامه بشود و معاونتی به پیشرفت ملت و وطنه خود کرده باشید خوبست از خرید اوراق اطلاع که در دفتر اداره روزنامه موجود است خودداری فرمائید.

دفتر روزنامه مردم

## نیروی امریکا در لیبیا

لیبیا با جمهوری سیدوستان که در کرانه باختری افریقا واقع است و تاکنون در جنگ جهانی بیطرف بود از سر راه پیش رانند محاذ را در کوربه حال این کشور کوچک در دگر و در سوانت کنونی به منتهای بلای خواهد کرد دقیقاً معلوم نیست.

و همچنین نمیتوان طوری اظهار داشت که قضیه ورود نیروهای امریکا بدان ناحیه تا منحصراً خانه پات زرد اندر حوضه جنگ جهانی است که نوشته دیناتی بدان مربوط است متعین در میدانهای اساسی شوروی و سپس دولتهای افریقا و شوروی را بر سر راه های کوربه و در یکی دست بگیرد شکست آورده است که نیروهای خود را پیوسته در مناطق مختلف جهان بر آورده کند.

پس مسئله این اشاره هم ناچیز نیست و گویا منسی که متعین از ابتدای سرچین لیبیا در نظر دارند در پیشرفت لغت های اشرفی آن ما هم میسوزت خواهد بود.

مکتور «نامدی» زیرا با مردم نیکو گمهای مناسب در سواحل روز و در ایام بیشتره با منتهای مشکلات را بر طرف میسوزت شوروی و سایر مراکز حیاتی جنگ پرو و مهلت ارسال می داند.

تلفات معنوی که از سر راه پیش رونق جریانی را در داکتر قائل بود است تا کنون از طرف معالجه متعین ناپدید شده است لئامان جرم فقط دوباره میباید دوبلی لیبیا را و هیبت آن قدری صحت کنیم.

زمانه در آن کشور های انگلیس و اسکنان بنبردهای اقیانوس اسیه است سرانی دانند زیرا کارهای دولتی بزرگ سفید اسکلتان اغلب با بر دو پایداری محور مواجه میشوند.

این روز در پایداری که پس از دولت برزیل در دست نیکو گمهای زایدی را در سواحل آمریکای جنوبی از دست داده اند معنوی میشود که بیشتر نظر خود را بنگهدار گمهای افریقای باغری معظوف سازند و در صورتیکه متعین گفته معنوی در این برده نیز در مکتور حیات معظوف که پیش بینی همیشگی است اقیانوس اطلس بیرونی آن ها پایان خواهد یافت.

باید دانست که این ملامت علاوه بر مطالب جنبه معنوی نهفته. برای گشایش جنبه دوم در او را نیز خواهد بود. و بر اساس نسبی در اقیانوس اطلس سفید گمهای بیشتر با اسکلتان و مرستانت نیروی های کامی تری از آمریکا کشود و باید ده است.



معین مهلت لیبیا





